



اريسولا كى. له گوئين  
خلاج شدگان

ترجمه ى > 'مد كاظمى

- جهان نو

مدرسنامه: لگوین، ارسولا کی، ۱۰۲۹ م.

Le Guin, Ursula K.

عنوان و نام پدیدآور: خلع شدگان / ارسولا کی لگوین؛ ترجمه: مد کاظمی

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۳۶۹ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۶۱۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان های امریکایی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: American fiction -- 20th century

شناسه ی افزوده: کاظمی، حامد، ۱۳۶۳، مترجم

رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۶ غ ۹ / PST۵۶۸

رده بندی دیویی: ۸۱۳ / ۵۴

شماره ی کتاب شناسی ملی: ۴۰۷۷۸۱۴



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان غیرفارسی - رمان آمریکایی

خلع شدگان  
اورسولا کی. له‌گوئین  
ترجمه‌ی حامد کاظمی  
ویراستار: حسن مرتضوی

مدیر هنری: مجید عباسی  
لیتوگرافی: هماگرافیک  
چاپ: دالاهو  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶، تهران  
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق پ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.  
رمونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۶۱۱-۵

دفتر موزیک و نشر چشمه:

تهران، کارگر شمالی، نطالع بر سه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.  
هن: ۸۳۳۶۰۰

کتاب‌فروشی: چشمه کریم‌خان:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش م راه ر، شماره‌ی ۱۰۷.  
تلفن: ۷۶۶، ۸۸۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری ورش، بی‌پنجم، واحد ۴.  
تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش جابار، ۴، قدم،  
مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.  
تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل:

بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل.  
تلفن: (۰۱۱)۳۲۴۷۶۵۷۱

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی پریس:

تهران، پاسداران، نبش گلستان یکم، مجتمع پریس، طبقه‌ی ۲.  
تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸

## مقدمه‌ی مترجم

وقتی بهرند، که 'یان' کتاب را برای ترجمه به من پیشنهاد کرد، تنها جمله‌ی نخست کافی بود تا درج: 'سخ' ثبت کنم.

There was a wall.

و جمله‌ی دوم مهر تأیید این 'سخ' بود؛

It did not look important.

اگر بخواهم راستش را بگویم، چندان اهل داده‌ها، علمی-تخیلی نبودم. یعنی بودم، اما در نوجوانی. من هم از نسلی بودم که با 'ری' کتاب‌های جهان چگونه زاده شد؟ دانشنامه‌ی جهان و داستان‌های علمی-تخیلی 'یراک' سه 'ف' بزرگ شد. سه گانه‌های جان کریستوفر را هم خوانده بودم. اما از وقتی به اصطلاح 'بگ' شدم، سعی کردم به قول خودم پایم روی زمین باشد. از سری هری پاتر (زمانی که ستر شد دانشجوی لیسانس بودم) به اصرار دوستی تنها یک جلدش را خواندم. ارباب حلقه‌ها را فقط فیلمش را دیدم. چنین آثاری را بیشتر آثاری خلاقانه و محترم می‌دانستم که شاید تمام جنبه‌های روان‌شناختی، اخلاقی و هر آن‌چه نویسنده‌شان قصد بیان را دارد، می‌شود بدون «وزارت سحر و جادو، هابیت‌ها، اورک‌ها، اِل‌فا و مردم سرزمین میانی» بیان کرد. به تمام این‌ها احترام می‌گذاشتم اما جذب نمی‌کردند.

لیکن بعد از تجربه‌ی نابی که با خواندن دو جمله‌ی آغازین کتاب داشتم، حس می‌کردم که از این به بعد شاید نگاه نرم‌تری به ادبیات فانتزی و گمانه‌زن داشته باشم. با این وصف، هر چه بیشتر پیش می‌رفتم بیشتر متوجه می‌شدم که این یکی انگار فرق می‌کند. اگر بیلبو بگینز وجود ندارد (؟) «شوک» قطعاً وجود دارد؛ شاید خود من باشم. آنارس وجود دارد. اوراس هم وجود دارد. مگر ما زمینی‌ها باهم نمی‌جنگیم؟ مگر گرسنگی نمی‌کشیم؟ مگر به هم کمک نمی‌کنیم و مگر از هم نمی‌دزدیم؟ یکدیگر را نمی‌دنییم و تنها نمی‌گذاریم و باز نزد هم بر نمی‌گردیم؟ انسانی‌تر و زمینی‌تر از این تر وجود دارد؟ مگر می‌شود؟

حس می‌کنم که در حین ترجمه‌ی خلع شدگان، یا اگر دقیق‌تر بگویم، زیستن با این تجربه، به من یاد داد. گاهی تا پاسی از شب نمی‌توانستم از پای کار برخیزم. کشش داشتم نمی‌گذاشتم. مفاهیم عمیق، جملات گاه موجز و کوتاه (مثلاً مانند آغاز داستان) و گاه شگفت‌انگیز. گاه چنان اعماق تاریک روح و ذهنم را هدف می‌گرفت که ناخودآگاه ناچار بودم دست بکشم؛ طاقتم تاق می‌شد... گاه چنان حس همذات‌پنداری‌ام را برمی‌انگیخت که خودم را شوک و تهران را آنارس یا اوراس می‌پنداشتم (داستان را که بخوانید با این نام‌ها آشناتر خواهید شد؛ لمس‌شان خواهید کرد). داستان را خواندم و داستان من را خوانا

به هر روی، درباره‌ی این داستان و نویسندگانش حس و حال خاصی پیدا می‌شود. گفت. اما هر چه بیشتر بگویم، گراف‌تر خواهد بود. چه، داستان‌ها آن‌چه را که گفتنی و نگفتنی است، خواه در سیاهی حروف و خواه در سفیدی بین‌صفاها گفته است. می‌ماند چند مورد که توضیح‌شان را ضروری می‌دانم:

در ترجمه‌ی کتاب سعی کرده‌ام برای خوانش روان‌تر و آسان‌تر، ترجمه‌ی گفت‌وگوها را به شکل محاوره‌ای در بیاورم. اما تلاش کرده‌ام در این میان از رسم‌الخط جاری زبان پارسی تا سرحد امکان عدول نکنم. در محاوره‌ی روزمره و در زبان گفتار افعال گذشته‌ی مطلق (مانند گفتم) و گذشته‌ی نقلی (مانند گفته‌ام) را یک جور تلفظ می‌کنیم. شاید تنها در دومی کمی را کش‌دارتر تلفظ کنیم. در گفت‌وگوهای داخل

متن داستان، برای آن که هم به شکل گفتاری و محاوره‌ای نزدیک شده باشم و هم تفاوت این دو زمان صرفی را نشان داده باشم، گذشته‌ی مطلق (یا ساده) را به همان شکل عادی و افعال گذشته‌ی نقلی را به صورت «گفتم» (معادل گفته‌ام) یا «رفته‌ام» (معادل رفته‌اند) آورده‌ام. همچنین درباره‌ی نام‌ها، از آن جا که مکان‌ها، زمان‌ها و حتا زبان‌ها در دنیای آثار له‌گوئین فراواقعی‌اند، مرجعی برای تلفظ نام‌ها وجود ندارد. خود له‌گوئین در قسمت پرسش‌های متداول وبسایت شخصی‌اش در پاسخ مخاطبان گفته: «نام‌های مکان‌ها و اشخاص را آن‌طور که دوست دارید تلفظ کنید! من نیز سه کرده‌ام نزدیک‌ترین حالتی را که از سویی به نوشتار نام نزدیک و از سوی دیگر برای خوانندگی پارسه زبان سهل باشد به کار بگیرم و در پانویس‌ها هم لاتین آن را آورده‌ام. توضیح درباره‌ی کرمان بردن و حرام کردن لذت کشف و شهود شما را خواننده است.

در پایان دوست دارم از حسن عزیر، احسان پویا، که نخستین واسطه‌ی همکاری من با انتشارات چشمه بوده است، بهرنگ، کیا، ن، که واسطه‌ی آشنایی من با این نویسنده‌ی عاشق، توانا و خستگی‌ناپذیر بود، میمانه قدردانی کنم. همچنین از دوست عزیز دیگرم امید صدیقیان راد، که به‌ویژه در زمان سختی که داشتم هر آن‌چه از دستش برآمد از جمله ترجمه‌ی این کتاب را برام تحویل داد، سپاس‌گزاری کنم. در انتها و همیشه هم، از همسر دانا و مهربانم برای همه‌چیز، بزرگوار، تشویق‌هایش و حمایت‌های پایان‌ناپذیرش از کارم سپاس‌گزارم.

### درباره‌ی نویسنده

«از صمیم قلب از اهداکنندگان این جایزه‌ی زیبا سپاس‌گزارم. خانواده‌ام، کارگزارانم و ویراستارانم نیک می‌دانند که این جایزه حاصل تلاش آن‌هاست، همان‌گونه که حاصل تلاش من؛ و از آن‌هاست، همان‌گونه که از آن‌هاست. و مشغوفم از این که این جایزه را به نمایندگی از طرف تمام نویسندگانی که مدت‌هاست از حلقه‌ی ادبیات بیرون گذاشته شده‌اند دریافت و با آنان تقسیم کنم؛ همکاران نویسنده‌ام در ژانر فانتزی و علمی -



خوب. این جا، در انتهای کارم، دوست ندارم شاهد آن باشم که ادبیات امریکا خود را چنین ارزان بفروشد. مایی که از راه نوشتن و نشر ادبیات زندگی می‌کنیم، می‌توانیم و باید خواستار سهمی از عواید آن نیز باشیم؛ اما نام پاداش زیبای ما منفعت نیست. نامش آزادی است.»

این متن آخرین سخنرانی اورسولا کی. له‌گوئین پس از دریافت جایزه‌ی ملی کتاب ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ است. شاید بتوان این سخنان را به نوعی مانیفست له‌گوئین دانست. آزادی، آزاداندیشی و ایستادگی در برابر هر آن‌چه بخواهد هنرمند و نویسنده و در واقع «انسان» محدود کند. او نویسنده‌ای فمینیست در ژانر علمی-تخیلی و «ادبیات گمانه‌زن» است. طعنه‌ی له‌گوئین به واقع‌گرایان، شاید از این‌رو باشد که دنیای امروز با این سرعت تعدیل علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تنها با نویسندگان واقع‌گرا که واقعیت‌های حسی و سیاسی را به تصویر می‌کشند، کارش پیش نمی‌رود. ادبیات گمانه‌زن و نویسندگان فعال در این واد، پیش‌گوهستند. انسان‌ها از دیرباز سعی کرده‌اند با فال‌گیری، طالع‌بینی، کیمپ و رت‌تلاش، اختراعاتی مانند ماشین زمان از آینده‌ی خود باخبر شوند و حتا آن را تغییر دهند. علمی علم و فناوری، حداقل تا امروز، در راستای این اهداف ناکام مانده‌اند، شاید بشود دست به‌دام ادبیات شد. له‌گوئین در خلع‌شدگان تلاش کرده است با به تصویر کشیدن دنیا‌هایی بی‌سایه‌هایی ناشناخته و ناموجود، آینده‌ی بشری را که با تمام سرعت به سمت ترکستان ره می‌پاورد، ش‌روی ما قرار دهد. شاید خواندن توصیفاتی از این «ترکستان» باعث شود فرزندان آمریکا مسیر دیگری را پیش گرفته‌اند تجدید نظر کنند. با این حال او نه تنها منکر ارزش کار فمینیست، بلکه کتاب‌های متعددی را از نویسندگان واقع‌گرا در لیست کتاب‌هایی که حاشیاش را تغییر داده‌اند قرار می‌دهد.

اورسولا کروبر<sup>۲</sup> در ۱۹۲۹ در برکلی کالیفرنیا به دنیا آمد و همان جا بزرگ شد. پدرش ألفرد کروبر یک مردم‌شناس و مادرش تنودورا کروبر یک نویسنده بود. او به کالج

رادکلیف<sup>۱</sup> رفت و تحصیلات عالی‌ه را در دانشگاه کلمبیا به پایان رساند. او در ۱۹۵۳ در پاریس با شارل ای. له‌گوئین<sup>۲</sup>، یک تاریخ‌دان، ازدواج کرد و نام فامیل شوهرش را به نام فامیل خود اضافه کرد. آن‌ها از سال ۱۹۵۸ در پرتلند، اورگون، ساکن شدند و اکنون صاحب سه فرزند و چهار نوه هستند.

اورسولا کی. له‌گوئین هم به نظم و هم به نثر می‌نویسد و تاکنون در گونه‌های مختلفی شامل تخیل واقع‌گرا، علمی-تخیلی، فانتزی، کتاب کودک و نوجوان، فیلم‌نامه، مقاله، متون شفاهی برای موسیقی دانان و متون رادیویی دست به تجربه زده است. او تا سال ۲۰۱۵، هفت کتاب شعر، بیست و دو رمان، بیش از صد داستان کوتاه (در قالب ... ازده مجموعه)، چهار مجموعه مقاله، دوازده کتاب کودک و چهار جلد ترجمه، منتشر کرده است. نویسندگان متعددی نیستند که در این همه فرم گوناگون آثار درخور خلاصه‌سازی داشته باشند.

اکثر آثارش در صورتی که به شکل مستمر منتشر می‌شوند، حتا برخی از آن‌ها چهل سال است که راضی به ترک ویرتین کتاب‌فروشی‌ها نشده‌اند. مشهورترین آثار فانتزی او، سس کتاب<sup>۳</sup> در یازمین<sup>۴</sup>، در میلیون‌ها نسخه در آمریکا و انگلستان فروخته شده و تاکنون به نوزده زبان ترجمه شده‌اند. (مترجم امیدوار است روزی فرصت ترجمه‌ی این سری را به دست بیاورد) نخستین اثر فانتزی برجسته‌ی او، دست چپ تاریکی<sup>۵</sup>، به واسطه‌ی کندوکاو<sup>۶</sup> و نثرش در مسئله‌ی جنسیت و پیچیدگی‌های اخلاقی و ادبی‌اش به باور بسیاری از نویسندگان در این ژانر ایجاد کرد. همچنین رمان حاضر و نیز همیشه بازگشت به خانه<sup>۷</sup> تعریف جدیدی از مرزها و سبک آثار تخیلی آرمان‌شهری ارائه دادند؛ همچنان که داستان‌های «راه‌های دور» در ابروی یک ساحل کوچک در اورگون در جاده‌ی دریای همدلی همیشگی او را با سیمه‌های معمولی مردم معمولی نشان می‌دهد. در میان آثاری که برای کودکان خلق کرده است، سری بال‌گربه‌ای‌ها<sup>۸</sup> بسیار مورد توجه و علاقه قرار گرفته است. همچنین علاقه‌ی او به مکتب

1. Radcliffe

4. *The Left Hand of Darkness*7. *Catwings*

2. Charles A. Le Guin

5. *Always Coming Home*3. *Earthsea*6. *Searoad*

«تانو» (یا «دانو») باعث شده است تا چهل سال صرف ترجمه‌ی تانو ته چینگ<sup>۱</sup> (دانو ده جینگ) اثر لائو تسو<sup>۲</sup> کند. ترجمه‌ای درخور که مورد وثوق و ستایش بسیار قرار گرفته است. اشعار او نیز مورد توجه روزافزون منتقدان قرار گرفته‌اند؛ در جست‌وجوی سوگ‌نامه‌ام<sup>۳</sup> که در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده است محتوی اشعاری از دفاتر شعر پیشین او به همراه اشعار جدید است.

با وجود مهجور بودن ژانر مورد علاقه‌اش (ژانر فانتزی و گمانه‌زن) به‌خصوص در میان منتقدان و داوران جوایز ادبی، له‌گوئین تاکنون برنده‌ی بیش از پنجاه جایزه‌ی ادبی شده و بیش از این تعداد هم نامزد بوده است. این جوایز برای آثارش و نیز برای یک عمر فعالیت مستمر و شایسته در زمینه‌ی ادبیات به او تعلق گرفته است. همچنین سهم برجسته‌ی او در ادبیات نوشتن<sup>۴</sup> امسال ۲۰۱۴ با اهدای مدال بنیاد ملی کتاب مورد تقدیر قرار گرفته است. کتاب‌ها، رساله‌ها و جوایز متعددی را از آن او ساخته‌اند و دست‌چاپ تاریکی و کتاب حاضر هر یک برنده‌ی جوایز هوگو<sup>۵</sup> و نبولا<sup>۶</sup> شده‌اند.

له‌گوئین بی‌باکانه خطر «جد نه‌ن»<sup>۷</sup> را به جان خریده و تسلط هنری موشکافانه‌ای را در فرم‌های متفاوت ارائه نموده است. این «اغلب منتقدین چاره‌ای جز تحسین او نیافته‌اند، جرئت و گشاده‌دستی قابل توجهی<sup>۸</sup> او به دیده است. هرولد بلوم<sup>۹</sup> او را در زمره‌ی نویسندگان کلاسیک امریکا قرار می‌دهد. «ترا»<sup>۱۰</sup> مورد تحسین گریس پالی<sup>۱۱</sup>، کرولاین کایزر<sup>۱۲</sup>، گری اسنایدر<sup>۱۳</sup> و جان آپدایک<sup>۱۴</sup> قرار گرفته‌اند. «العات نقادانه و آکادمیک متعددی توسط منتقدان و شخصیت‌های مختلف روی کار آورده و رت گرفته و منتشر شده است.

به عقیده‌ی منتقدان و خوانندگان او، دنیای داستان‌های له‌گوئین و شخصیت‌هایش، از آن قماش نیستند که با خواندن صفحه‌ی آخر و بستن کتاب راحت‌تان بگذارند. جنبه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و پیچیدگی‌های عمیق این دنیاها و شخصیت‌ها هرگز رهای‌تان نخواهند کرد. شیوایی، گیرایی، درون‌نگری، طنز، ذکاوت و برانگیزندگی

1. Tao Te Ching  
5. Nebula  
9. Gary Snyder

2. Lao Tzu  
6. Harold Bloom  
10. John Updike

3. Finding My Elegy  
7. Grace Paley

4. Hugo  
8. Carolyn Kizer

از جمله ویژگی‌هایی هستند که با ظرافت خاصی در نوشتار او به کار گرفته می‌شوند. او با چنان پختگی‌ای جنبه‌های روان‌شناختی و اخلاقی را با قلمش تصویر می‌کند که در کمتر نویسنده‌ای دیده می‌شود. بهره گرفتن از تکنیک‌های فانتزی تنها باعث غنای بیشتر آثار او می‌شود و هرگز صلابت او را تحت تأثیر قرار نداده و از جنبه‌های گسترده‌ی انسانی آن نمی‌کاهند. او افسانه‌هایی خلق می‌کند که خاکی‌ترین دغدغه‌های انسانی از زندگی و مرگ گرفته تا عشق و جنسیت را در بر می‌گیرند.

له‌گوئین زندگی کاملاً بی‌حاشیه‌ای را دور از انتظار عمومی برگزیده است اما گاه در فضایت‌های سیاسی مشارکت‌های بارزی دارد و حضورش در انجمن ادبی شهر محل زندگی‌اش مستمر است. پس از سال‌ها تدریس در کارگاه‌های نویسندگی و محافل مختص، او در دهه ۶۰ خود را از تدریس بازنشسته کرده و حضورش در اجتماع محدود شده است. او در دهه ۷۰ معتبر متعددی مدارک افتخاری دریافت کرده و کرسی‌های دایم و موقت متعدد، در دهه ۸۰ گاه‌ها و کالج‌ها داشته است.